

یادگار

مهر ماه ۱۳۲۲

پنجاهم - اکتبر ۱۹۴۴

شماره اول ۱۳۶۲

سال روز

کتابخانه فیضیه قم

مستشار خارجی

مستشار در لغت بمعنی کسی است که انسان او را مورد شور خود قرار میدهد و از رأی او در مسائلی که فکرش بکنه آنها نمیرسد و در مواقعی که او را اشکال و ابهامی دست میدهد استمداد میجوید.

هیچکس نیست که در زندگی بتواند بار مشکلات امور را بتنهایی ببرد و در حل معضلات براهنمایی راه دانان و استمداد از فکر خبرگان و کارشناسان احتیاجی پیدا نکند چه مرد هر قدر هم کار کشته و تجربه اندوخته باشد باز مردمی از او کار آزموده تر و مجرب تر هستند علاوه پیش آمدهای روزگار و تغییر دائمی اوضاع و احوال هر روز تدبیری تازه میخواهد و محتاج بوسائل و اسباب نوینی است که رأی و تجربه یک فرد در حل و تهیه آن عاجز میماند و جز آنکه از دیگران که در این مرحله از او بصیرتر و کلردان ترند استعانت جوید چاره ندارد. گذشته از این مراتب شرط عقل آنست که انسان برای صرفه در عمر آزموده پیشینیان را از نو نیاماید و راهی را که مردمی قبل از او رفته اند از سر نگیرد بلکه با استفاده از تجارب و کرده های دیگران نا آزموده های فراوانی را که در پیش است نیاماید و راه های نرفته را بقدم استوار تر برود تا باین ترتیب بتکمیل کارهای سایرین کمک نماید.

جایی که حال يك فرد در احتیاج بمشاور و مستشار چنین باشد حال يك قوم و ملت که مشکلات زندگی آنها بیشتر و تغییر و تبدل احوال اقتصادی و سیاسی و اجتماعیش دائمی است از این لحاظ محتاج بتوضیح نیست.

در کلیه ممالک متدینه هیچ اداره و مؤسسه و کارخانه ای نیست که يك عده خبرگان و مشاور فنی و اهل خیرت راه و رسم کار آنها را معین نمایند تا آنجا که اجزاء و اعضای این ادارات و مؤسسات و کارخانه ها حتی وزراء و زمامداران سیاسی در حقیقت آلت اجرای آراء و دستورات آن مشاورین و خبرگان اند و کمتر اتفاق می افتد که از عمل بآن آراء و دستورات سر باز زنند.

در بعضی از این ممالک بقدری توجه بجلب هر گونه رأی و نظر از هر کس و از هر طبقه زیاد است که حتی تکالیفی را هم که شاگردان مدارس عالی در جواب اقتراحات و پرسشهای استادان خود می نویسند در هر وزارتخانه یا اداره ای که موضوع آن تکالیف بکار آنها مربوط است مورد تحقیق کامل قرار میدهند تا اگر در بعضی از آنها آرائی جدید و مفید باشد مورد استفاده قرار گیرد و هیچ فکر بکری ضایع نماند. کمتر استادی است که يك وزارتخانه یا يك مؤسسه علمی یا فنی او را بعنوان متخصص و مشاور بخدمت خود نگیرد و آراء صائبه او را بگران ترین قیمت بخرد. البته در این ممالک تمام یا اغلب این گونه مستشاران و خبرگان از اهل خود مملکتند و هر سال اردو بر عدد ایشان افزوده میشود و دولت بعلت احتیاج شدید بوجود این گونه مردم دستگاههای مخصوص جهت تهیه و تربیت آنان دارد.

امادر ممالکی مانند ایران که خواه ناخواه باید بسرعت و با تمام قوی جمیع وسائل تمدن جدید غربی را اقتباس کند و معمول و مجری دارد چون بدبختانه بعلت دور ماندن از مراکز تمدن از اوایل قرن دهم هجری ببعدهو پیدا شدن موانع و سد های محکمی بین آن مراکز و کشور ما تمدن جدید نتوانسته است چنانکه باید راه یابد و ایرانی را هم قدم بقدم با خود بجلو ببرد و وجود این قبیل کارشناسان و مشاورین همه وقت بسیار اندک بوده است و هر زمان که رجال ترقیخواه ایرانی

خواسته اند در راه اقتباس تمدن اروپائی قدمی بردارند بسبب همین کم بودن مستشار و خبرگان بومی ناچار دست تو تسل بدامن خار جیان زده هر چند سالی يك يا چند تن از ایشان را برای یاد دادن اصول جدیدة تمدن و وارد کردن اصلاحاتی در شؤون زندگانی ما بایران خوانده اند.

بدبختی بزرگ ما از همان اوان که احتیاج باین کار در ایران احساس شدو مردانی مانند عباس میرزا نایب السلطنه و وزیر هوشمند او میرزا بزرگ قائم مقام اول بجلب مستشاران خارجی و فرستادن شاگردان ایرانی باروبا شروع کردند این بود که رقابتهای مستعمراتی همسایگان ما نیز از همان ایام در مقابل هرگونه اقدامی که از این قبیلها برای خیر و صلاح ایران میشد قد دشمنی و عناد علم کرد تا آنجا که دولت ایران يك مقدار بعلت ضعف سیاسی و نظامی و يك مقدار هم بسبب بیخبری و نادانی بعضی از زمامداران در این مرحله هم کم و بیش استقلال خود را از دست داد و غالباً بفشار همسایگان متعددی ناچار میشد که مستشارانی را بایران بخواهد که باشاره و میل و رغبت ایشان اختیار شده باشند. بدیهی است که این مستشاران اگر از نژاد و ملت همسایگان ما بودند جز اجرای منظور های سیاسی و استعماری کشور خود کاری دیگر نمیکردند و اگر هم اتفاقاً از ممالک دور دست و بیطرف انتخاب میشدند باز تحت تاثیر دوستی و دشمنی که وطن ایشان در اروپا با همسایگان ما پیدا میکرد قرار میگرفتند و کمتر اتفاق می افتاد که با وجود مزد دور ما بودن منافع وطن خود و همسایگان پر زور ما را در مقابل مصالح ایران یا لا اقل در برابر حسن شرافت و وجدان فراموش کنند.

در این یکصد و پنجاه سال اخیر همیشه حال ما در این مرحله بهمین وضع زار بوده اما باید دانست که غیر از پاره ای موارد که بعضی از رجال خائن رشوه خوار ما در این کار تعدی داشته اند در موارد دیگر چندان ملامتی متوجه ما نیست و اگر فرنگیانی که مردم ایران ایشان را با کمال صفا و خلوص نیت بخدمت خود خواسته و بهمه جهت در اکرام و قبول فرمان آنان کوشیده اند بوظایف وجدانی خویش عمل نکرده و کاهل یا خیانت پیشه در آمده اند بیچاره ایرانی را تقصیری نبوده است و اگر تقصیری بتوان شامل حال او کرد اینست که ایرانی خوش باور

چنین می‌پنداشته است که تمام فرنگیان همانطور که در علم و صنعت سرآمد جهانیان شده‌اند در رعایت جانب اخلاق هم در همین مقامند و بهین جهت ممکن نیست که نسبت بملکیتی که خدمت آنرا در مقابل اکرام و انعام پذیرفته‌اند سهل‌انگاری یا نا جوانمردی بخرج دهند.

اشتباه عظیم هموطنان ما در همین جا بوده و بد بختانه هنوز هم اکثر مردم این کشور در این اشتباه باقی‌اند. ایرانی باید بتعبیر همین فرنگیان در مفهوم خود از اخلاق تجدید نظر کند یعنی باین نکته دقیق متوجه شود که در اینگونه موارد مفهوم او از کلمه اخلاق بکلی غیر از مفهوم اهل سیاست و اقتصاد اروپا و امریکا از این کلمه است.

بلی روزگاری بود که اگر کسی باصطلاح ما نان و نمک دیگری را می‌بخورد یا خدمت مخدومی را می‌پذیرفت اگر او را قطعه قطعه می‌کردند تن به حق شکنی در نداد و نسبت بولی نعمت و مخدوم خود مرتکب بیوفائی یا خیانت نمیشد. امروز هم در سراسر جهان مردم پاک سرشت نجیب همین اصل را رعایت میکنند و در مقابل حق دوستی و نعمت خود را بننگ ناسپاسی و بیمان شکنی آلوده نمی‌نمایند. آما در سیاست و اقتصاد کنونی اصل مسلم برای آن طبقه از مردمی که پهلو آنان این میدانند فقط جلب و حفظ «منافع» است و هر اصل اخلاقی هم که با آن تعارض پیدا کند پیش ایشان واهی و نا استوار است.

توقع ما امروز از مستشاران خارجی اینست که چون نان و نمک ما را می‌خورند و برای خدمت ما از ما مزده بگیرند جز حفظ مصالح ما هیچ قصد و غرضی دیگر نداشته باشند و در انجام وظیفه‌ای که برضای خاطر برعهده گرفته‌اند مطابق احکام شرافت و وجدان عمل نمایند. البته این توقع مابجاست و همین توقع هم ما را بر آن داشته است که سالی میلیونها پول از کیسه فقیر خود در این راه بریزیم اما چه میتوان کرد که دنیای مادی امروز همه این احکام را زیر پا گذاشته و احکامی دیگر بجای آنها آورده است تا آنجا که ما هر قدر سلسله حسن عهد و ایفای بوعده می‌جنبانیم مستشار خارجی ما حدیث «أنا فی واد و انت فی واد» میخواند و بریش ما ساده لوحان می‌خندد!

امروز مستشارانی که از مالک معظمه یعنی مالکی که کاخ عظمتشان بر پایه مستعمرات وسیعه و اقتصاد قوی نهاده شده بکشورهای دیگر، مخصوصاً بکشورهای بکر از لحاظ منابع اقتصادی، میروند پیش از آنکه هازم مأموریت شوند از وزارت امور خارجه و بعضی از بانکها و کمپانیهای کشور خود دستوراتی معین میگیرند. اینگونه مستشاران اگر چه با اسم خدمت بکشورهای دیگر قدم میگذارند ولی در حقیقت هیچ منظوری جز خدمت بکشور خود و تأمین منافع و مصالحی که عظمت آن بدانها بسته است ندادند.

شاید هم ملامت ما نسبت بایشان هیچ مورد نداشته باشد زیرا که این جماعت چون وطن خود و عظمت و منفعت و مصلحت آنرا میخواهند همه چیز را در این راه فدا میکنند حتی آن اصولی را که ما اصول تزلزل ناپذیر اخلاق میدانیم در این مقام بهیچ نیشمارند.

اگر روزی مصلحت و وطنشان چنین اقتضا کرد که در کارها اصلاحی وارد شود بجدت و جهد تمام میکوشند و اگر برخلاف فئای ما در این راه مقتضی بود در اجرای هر گونه طرحی تعلل نخواهند ورزید. علت اینکه ما تا کنون کمتر از وجود مستشاران خارجی فایده برداشته‌ایم و از بعضی نیز زیانهای کلی دیده‌ایم همین کیفیت بوده است و تا قرار بر این مدار باشد روزگار ما از این بهتر نخواهد شد. ممکنست بعضی تصور کنند که ما با این مقدمات که نوشتیم منکر استخدام مستشاران خارجی هستیم و خود را چنان رشید و آزموده و خبره میدانیم که دیگر احتیاجی بوجود ایشان احساس نمی‌نمائیم. البته چنین نیست بلکه باید اعتراف کنیم که ما قدری از مرحله تمدن جدید پرت افتاده و راههای غلط درآموزندگانی خود اختیار کرده‌ایم که جز اقتفا بفرنگیان و استفاده از راه دانی و کارشناسی ایشان هیچ چاره دیگری نداریم و تا درست و حسابی پیش استادان و اهل خیرت و بصیرت آن اقوام زانوی ارادت بر زمین نزنیم و همان راه و رسمی را که ایشان دارند نگیریم محال است که بجائی برسیم و از این حال نکبت رهائی یابیم اما باین شرط که فرنگی را برای خادمی استخدام کنیم نه مخدومی، مستشار مؤتمن نخواهیم نه فعال مایه‌اش، رأی و فکر از او باشد و اختیار عمل در دست ما. شرط اول استقلال این است که

همیشه زمام حل و عقد مصالح مملکت را عناصر پاك ایرانی در کف داشته باشند اگر چه پایه و مایه تحصیلی ایشان کامل و واقعی نباشد. مستشار فرنگی باید فقط از لحاظ فنی این نقصان تحصیلی زمامداران ما را رفع کند. دخالت در طرز اجرای مصالح سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور حده خارجی نیست و نباید قدم او در این حریم حرمت باز شود چه بعضی آنکه راه نفوذ یافت مصالح کشور خود را بشرحی که گفتیم مقدم میدارد. باید از مستشار فرنگی در هر بابی که پیش آمده است اشاره کرد و رأی خواست لیکن قبل از عمل بآن رأی لازمست بدقت تمام اطراف و جوانب آنرا سنجید و پیش و پس آنرا رسید تا اگر در آن توهم اندک سوءظن یا خللی رفت از بکار بستن آن خودداری شود و شاید هم گاهی مقتضی چنین باشد که بر عکس آن عمل کنند.

برای آنکه ما تا آخر عمر بمستشار خارجی محتاج نمانیم و تجارب ناگوار صد و پنجاه سال اخیر را تکرار نکنیم مهمتر از هر کاری بعقیده ما اینست که دولت يك عده بسیار کثیر معلم و استاد و مهندس و کارگر فنی از میان برگزیدگان ممالک خارجه استخدام کند و ایشان را بدقت کامل و با تحویل انضباطی بالنسبه سخت بهمان شکل که کارفرمایی کارگرانی را بکار میدارد بتدریس و تأسیس مدارس و مؤسسات علمی و فنی از هر قبیل و تربیت جوانان ایرانی بگمارد و نگذارد که در این کار که خطر سیاسی آن کمتر است هیچگونه ملاحظه و مساهله روا دارند و اگر مشاهده شد که یکی از ایشان در وظیفه تدریس و تعلیم قصور میورزد یا بتبلیغاتی مضر دست میزند فوراً او را از کار برکنار کند و راه ضرر و خطر را تا باریک است محکم ببندد.

اگر این کار با فرستادن محصلینی بخته و آزموده بخارجه توأم گردد و بایک ترتیب اساسی در مدت ده بیست سال تعقیب شود و وقفه و تعللی در آن راه نیابد شبهه ای نیست که بزودی از میان همین جوانان مستعد زبرک ایرانی که تشنه کسب معلومات و تکمیل و تهذیبند يك طبقه خبره و کارشناس شایسته بیرون خواهد آمد که برای اداره کلیه امور اقتصادی و فنی ما خدمتگزارانی صدیق و دلسوز خواهند شد و البته یقین است که ایرانی با غیرت و وطنی که دارد چون جز سعادت و تعالی کشور خود منظوری دیگر نخواهد داشت هزار درجه بهتر از هر مستشار خارجی منافع و مصالح ایران را رعایت خواهد کرد و در راه حفظ و دفاع آن خواهد کوشید.